

درس‌های تدریس در روزهای پنجشنبه

دیدگاه مرییان

ساختار کلاس درس

حق انتخاب

محدودیت‌ها و استانداردها

تجارب ویژه

فلسفه کلی آموزش

استراتژی روزانه تدریس

برانگیختن استعدادهای برانگیخته نشده

القاء تدریجی عادات خلاقیت

www.kandoocn.com

www.kandoocn.com

موفقیت تحصیلی کودک که بر روش کودک در قبال مدرسه و به طور کلی بر یادگیری دارند.

به همین نحو، مربیان توانائی تضعیف حس کنجکاوی طبیعی کودکان را داشته و می توانند انگیزه آنان را از میان ببرند، حس احترام به خود را در کودکان سرکوب کنند و مانع از خلاقیت آنان گردند. در بعضی جهات، مربیان خیلی خوب (یا خیلی بد) می توانند نفوذی بسیار قوی تر از پدر و مادران بر روی کودکان داشته باشند.

چرا مربیان چنین قدرتی دارند؟ زیرا آنان فرصتهائی بیش از پدران و مادران برای برانگیختن و یا

تضعیف خلاقیت در اختیار دارند. اغلب کودکان در عرض هفته، زمان بیشتری را با مربیان خود

می گذرانند تا با پدران و مادران خود. مربیان بنابر ضرورت شغلی خود مستقیماً می توانند کودکان را

مورد ارزیابی قرار دهند و از آنجائی که کودکان مشتاقانه به پیشرفت خود علاقه مند هستند، مربیان

می توانند به نوعی صدای الهی تبدیل شوند.

آیا مربیان حقیقتاً می توانند خلاقیت را آموزش دهند؟ مربیان مطمئناً قادر به آموزش قلمرو مهارت‌ها

یعنی مهارت‌های علمی و فنی در قلمروهای خاص مانند سخنوری، ریاضیات و یا هنر می باشند. در

حقیقت اغلب مردم این کار را جزئی از شغل مربیان می دانند. مربیان تا حدی می توانند مهارت‌های

خلاقیت مانند روش‌های تفکر درباره مسائل و قوانین علمی برای تدبیر راه‌های جدید نگرش به مسائل

را هم آموزش دهند. چنین مهارتهائی را می توان مستقیماً آموزش داد اما بهترین روش انتقال، طرق

نمونه بودن خود مربی است.

است و نمی توان به کودکان گفت انگیزه درونی داشته باشند. ولی مربیان می توانند با بیان آزادانه احساس خود از قبیل کنجکاوی، علاقه، شادی و احساس شخصی مبارزه طلبی، نمونه ای برای کودکان باشند. مهمترین راه برای ترغیب انگیزه درونی در مدرسه، تشکیل کلاس درسی است که محیطی عاری از فشارهای خارجی که مخرب چنین انگیزه ای است داشته باشد.

پس در واقع، مربیان نمی توانند بیش از پدران و مادران خلاقیت را به کودکان بیاموزند. اما می توانند خلاقیت را رواج داده، پرورش دهند و موجب رشد آن گردند.

دیدگاه مربیان

مهمترین راهی که مربیان از آن طریق قادر هستند خلاقیت را در کودکان ترغیب نمایند حمایت از انگیزه درونی آنان است. همه کودکان، قلمرو مهارت ها را در مدرسه فرا می گیرند (بعضی بهتر از دیگران). اغلب آنان از طریق تماس با نمونه های تفکر خلاق می توانند مهارت های خلاقیت را به دست آورند. اما تعداد کمی از کودکان مدرسه را در حالی ترک می نمایند که انگیزه درونی آنها دست نخورده باقی مانده است.

انگیزه درونی هنگامی رشد می کند که مربیان معتقد به دادن استقلال نسبی به کودکان در کلاس درس باشند. اما این سؤال مطرح است که چه نوع مربیانی بیشتر از دیگران قادر هستند کلاس درسی که در جهت استقلال عمل کند تشکیل دهند؟ پاسخ این است که مربیانی موفق تر هستند که کامل نبودن خود را قبول داشته باشند و برای کودکان احترام عمیق قائل باشند. با این روش، حتی مربیان کودکان بسیار خردسال می توانند به آنان کمک کنند در یادگیری، همکاری واقعی بنمایند.

عناصر اصلی فلسفه آموزش، که موجب ترغیب خلاقیت در کودکان می گردد، عبارت است از:

- یادگیری، بسیار مهم و تفریحی است.

- کودکان به عنوان افراد منحصر به فرد قابل احترام و محبت هستند.

- کودکان باید یادگیرنده فعال باشند. باید آنان را ترغیب کرد که علایق، تجارب، ایده ها و وسایل

خود را به کلاس درس بیاورند. باید به کودکان اجازه داده شود که درباره هدف های کار روزانه خود

با مربیان بحث نمایند و به آنان استقلال کاری داده شود تا تصمیم بگیرند چگونه آن هدف ها را به

انجام برسانند.

- کودکان باید در کلاس درس خود، احساس آسایش و تشویق کنند. همچنین تنش و فشار نباید

وجود داشته باشد.

- کودکان باید دارای حس مالکیت و غرور درباره کلاس درس خود باشند. آنان باید در سر و سامان

دادن کلاس و نگهداری آن دخالت داشته باشند. باید تشویق شوند وسایلی را از منزل به کلاس

بیاورند (حتی "آشغال") و از آنها در فعالیتهای آموزشی استفاده کنند. مربیان باید بگویند "این

کلاس درس من نیست. این کلاس درس ماست!"

- مربیان منبع اطلاعات و هدایت هستند نه افراد پلیس یا گروهان های مشق نظامی دهنده و یا خدا.

کودکان باید برای مربیان احترام قائل شوند اما در حضور آنان نیز، احساس راحتی نمایند.

- مربیان باهوش هستند اما کامل نیستند.

نمایند. این کلاس درس برای همه است و برای حفظ آرامش آن شریک هستند.

- تجارب یادگیری باید حتی الامکان به تجارب دنیای واقعی کودکان نزدیک باشد. کودکان باید در

کلاس قدرت و مسئولیت داشته باشند.

ساختار کلاس درس

بارزترین تفاوت میان سبک‌های کلاس درس طی سی سال گذشته، تفاوت میان کلاس درس "باز" و

"سنتی" بوده است. اگرچه کلاس درس باز اشکال مختلفی به خود می‌گیرد؛ اما به طور کلی دارای

ساختار قابل انعطاف‌تر، محدودیت‌های کمتر بر عملکرد دانش آموز و توجه بیشتر به فردیت وی

می‌باشد.

استراتژی روزانه تدریس

استراتژی‌های خاصی وجود دارد که موجب بالا بردن خلاقیت در فعالیت‌های آموزشی روزانه

می‌گردد که شامل: ارزیابی و پاداش است.

ارزیابی

ارزیابی مربی از کار دانش آموز بزرگترین کشنده خلاقیت در کلاس درس است.

- مربی باید به جای ارزیابی مبهم و غیرملموس، از عکس‌العمل منطقی و سازنده استفاده کند.

- از دانش آموزان برای ارزیابی کار خود و درس گرفتن از اشتباهات خودشان استفاده نمائید.

- به جای تأکید بر "چگونه انجام دادید؟" بر روی "چه یاد گرفتید؟" تأکید کند.

پاداش

سایر منابع پاداش که به طور معمول مورد استفاده قرار می گیرد عبارت هستند از نشان های چسباندنی، ستاره های طلائی، تقدیرنامه ها، جوایز و امتیازهای خاص.

کودکان چنین پاداش هایی را دوست دارند و بعضی مواقع برای به دست آوردن آنها هر کاری را انجام می دهند و مشکل همین است. تحقیق نشان داده است که وقتی فکر کودکان بر روی پاداش به عنوان دلیلی برای انجام کار متمرکز شود، انگیزه درونی و خلاقیت آنان تضعیف می گردد.

بهترین پاداش ها برای کارهای خوب در کلاس، کارهای غیر ملموس است؛ یک لبخند یا تکان سر به نشانه تأیید، زدن به پشت کودک، گفتن یک کلمه تشویق آمیز، فرصت برای نشان دادن و ارائه کار دانش آموزان و کارهای اضافی. اگر جو کلاس درس، کودکان را متوجه می سازد که همه کس (از جمله مربی) معتقد هستند یادگیری امری هیجان انگیز و تفریحی است، کارهای اضافی به عنوان پاداش محسوب می گردد.

کار "غیر ملموس" و فوق العاده دیگر آن است که به کودکان اجازه داده شود غرور خود را نسبت به کار خود بیان کنند و آن را با دیگران در میان بگذارند.

وقتی که از پاداش های ملموس مانند نشان ها و امتیازات خاص استفاده می شود باید برای کودکان غیرمنتظره باشد. برای مثال یک هدیه اضافی به دلیل آنکه کودکان، کار خوب خاصی را در موردی انجام داده اند و یا به این دلیل که آنان کار خیلی مشکلی را انجام داده اند و یا صرفاً به دلیل آنکه مربی حوصله داشته است در کار خاصی کودکان را دخالت بدهد! ترفند کار در این است که پاداش های

صراحت در جهت آن کار نکنند.

در نهایت وقتی پاداش داده می شود باید به خاطر خلاقیت و همچنین انجام کار صحیح باشد. به این

طریق، کودکان به وضوح، این پیام را دریافت می کنند که چون در کلاس درس، خلاقیت مجاز

است، تشویق می شوند و به آن بهاء داده می شود

حق انتخاب

در هر جا که امکان دارد باید به کودکان حق انتخاب داده شود. مثلاً یک درس علوم باید حاوی

تعداد مختلفی موضوع برای آزمایش باشد؛ یک فعالیت هنری باید تا حد امکان انواع بسیار متفاوتی از

راه ها و امکانات را ارائه بدهد؛ برای نویسنده گی، کودکان باید موضوعات خود را انتخاب کنند و

مسیرهای متفاوتی را برای رسیدن به هدف یادآوری نمایند. اگر برای انجام کاری فقط یک راه

مخصوص به کودکان ارائه شود آنان نیز مانند موشی که طبق عادت برای رسیدن به غذا و فرار از

خطر فقط راه مستقیم، ساده و غیر خلاق را انتخاب خواهد کرد، کودکان نیز همین راه را انتخاب

می کنند.

کلید کار، داشتن نوعی فعالیت یادگیری می باشد که بی ساختار اما در درون یک ساختار باشد. لازم

است کودکان به ویژه کودکان کوچکتر، احساس هدفمند بودن داشته باشند. آنان به محدودیت هائی

نیاز دارند و اغلب یک طرح کلی از طرز انجام آن کار مورد نیاز آنها است. هرچه امکان انتخاب آنان

در مورد طرز انجام و زمان انجام یک هدف بیشتر باشد، بهتر است.

توضیح را با یک مثال شروع می کنیم: دو کودک که در کلاس، هیچ کاری انجام نمی دادند و اغلب اوقات خود را به خیره شدن به بیرون از پنجره، یا رسم تصاویر از بازیکنان فوتبال و یا دادن یادداشت به همکلاسی های خود درباره بازی شب گذشته می گذراندند. مربی آنان متوجه شد که این دو، فعالیت های معمول کلاس درس را انجام نمی دهند. جلسه مشاوره ای با آنان تشکیل داد و معلوم شد آن دو شدیداً به فوتبال علاقه مند هستند. طی یک برنامه آنان موظف شدند چند پاراگراف درباره بازیکنان محبوب خود و یا هیجان انگیزترین بازی ها بنویسند و برای دوستان خود بخوانند، همچنین می بایست آمارهائی درباره تیم ها و بازیکنان تهیه و یک کتاب از نقاشی هائی که خود آنها از بازیکنان ترسیم کرده اند گردآوری کنند.

هر دوی این پسرها درگیر فعالیت های جدید خود شدند. زیرا آن فعالیت ها به طور مستقیم به شور و هیجانی که درباره فوتبال داشتند، مربوط می شد. در حالی که آنان قبلاً از کلاس درس خسته بودند و یا تکالیف درسی را از سر باز می کردند، اکنون نوعی ارتباط میان جهان واقعی با آنچه را که انجام می دادند، مشاهده می کردند و سطح چالش آنان با توانائی های هر یک، متناسب بوده و استعداد های موجود آنان به تدریج گسترش می یافت.

محدودیت ها و استانداردها

“مشکل اجتماعی شدن”، یا به عبارتی، پاسخ این سؤال که آیا بدون فشارهای خارجی قوی می توان قوانین اساسی رفتاری را به کودکان آموخت بسیار دشوار است.

یک رشته قوانین که برای عملکرد معقول کلاس لازم است، مثل یورش فکری (طوفان مغزی) همکاری نمایند. پس از بحث درباره قوانین (و شاید نتایج نقص آن) می توان آنها را مانند یک قرارداد نوشت؛ روی تابلو اعلانات چسباند و امضاء کرد. احتمال زیادی وجود دارد که کودکان؛ قوانینی را که در نوشتن آن دست داشته اند اجراء نمایند و کمتر احساس می کنند آن قوانین آنان را تحت کنترل برونی قرار داده است.

به علاوه اگر قوانین به صورت اطلاع و خبر ارائه گردد، احتمالاً کودکان احساس نمی کنند که تحت کنترل برونی هستند. باید به کودکان یک محدودیت رفتاری همراه با دلیل خوبی برای آن محدودیت ارائه شود و قبول کرد که ممکن است بدون عبارات کنترل کننده مانند "این کاری است که من می خواهم انجام دهی" مشتاقانه از آن محدودیت ها فرمانبرداری ننمایند.

گاهی اجراء استانداردهای آموزشی سبب می شود تا مربیان احساس کنند که باید "موضع سخت گیرانه" اتخاذ نمایند. به ویژه با توجه به محبوبیت اخیر "بازگشت به اصول" و آزمون های شایستگی استاندارد شده، مربیان به شدت می کوشند تا اطمینان حاصل کنند که دانش آموزان "وضع را به درستی درک می کنند". به منظور حفظ خلاقیت در چنین جوی، شناساندن زمینه هائی که در آن پاسخ درست یا غلط وجود ندارد، و زمینه هائی که در آن ایده ها، سبک ها و روش های مختلف دارای ارزش مساوی هستند، بسیار مهم است.

القاء تدریجی عادات خلاقیت

مهارت‌های خلاقیت، به وسیله الگو قرار دادن آن مهارت‌ها، کمک نمایند.

هنگامی که به راه‌های مختلف انجام یک فعالیت توجه می‌کنید اجازه دهید دانش‌آموزان صدای بلند

فکر کردن شما را بشنوند. بعضی از مهارت‌های جدید خلاقیت از جمله نگاه مجدد به مشکلات را

به‌درستی بیازمائید و دانش‌آموزان را در طی کردن مسیر فرآیند تفکر هدایت کنید. اگر دانش‌آموزان

پیوسته از شما جملاتی این چنین بشنوند: "بیائید یک راه خلاقانه برای این کار بیابیم؟" به چه طریق

دیگری می‌توانیم از این استفاده کنیم؟" و "بیائید تا حد امکان هر تعداد ایده جدید می‌توانیم تدبیر

کنیم"، به این ترتیب، آنان نیز به تدریج و به شکل یک عادت، روش تفکر خلاق‌تری را در پیش

خواهند گرفت.

تجارب ویژه

اگر در کلاس درس چیزهایی غیر معمول اتفاق بیفتد کودکان متوجه می‌شوند که خلاقیت دارای

ارزش است. چند نمونه از "تجارب ویژه" که به‌طور مؤثر می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد، عبارتند از:

مربی برای یک روز، مسافرت‌ها، بازدیدکنندگان، کارهای ویژه روز قبل از تعطیل هفتگی.

مربی برای یک روز (یا یک ساعت)

این تجربه تا حدی به منزله اجرای نقش معکوس است که در آن یک کودک برای مدتی به‌عنوان

مربی، کلاس را اداره می‌کند و مربی "یکی از کودکان می‌شود". مثلاً در کودکان می‌تواند برنامه

روزمه صبح را درباره تقویم اجراء کند، در حالی که مربی به همراه گروه کودکان به سؤالاتی

درباره آنکه امروز چه روزی از هفته است و یا چند روز دیگر از ماه جاری باقی مانده است و یا تا آن

می تواند جلسه بحث درباره کتابی را که همه کلاس خوانده اند و یا فیلمی را که دیده اند، اداره کند.

مسافرت ها

برای بالا بردن خلاقیت کودکان می توان موضوع قدیمی مورد علاقه همگان یعنی مسافرت را با روش های مهم به صورت جدید درآورد. تا جایی که عملی باشد دانش آموزان باید در هر مرحله از مراحل برنامه ریزی مسافرت شرکت داده شوند. آنان می توانند در صورت لزوم ایده هایی برای تأمین بودجه تدبیر نمایند و در واقع آن ایده ها را به اجراء درآورند. می توان از کودکان خواسته شود چیزهایی درباره مسافرت که به آن علاقه خاص دارند بیانند و سپس آن جنبه را به صورت انفرادی یا گروهی مورد تحقیق قرار دهند.

بازدید کنندگان

پدران و مادران می توانند با به خانه آوردن بازدید کنندگان بزرگسال که جالب و متفاوت باشند، خلاقیت کودکان خود را برانگیزند به همین ترتیب، مربیان می توانند در کلاس درس، خلاقیت کودکان را برانگیزند. گاهی مربیان از یافتن بزرگسالان مشتاقی که به اندازه کافی باشند درمی مانند، اگر این مربیان، دید خود را وسعت دهند با کمال تعجب متوجه خواهند شد که چه کسانی می توانند برای این منظور قابل قبول باشند. برای کودکان، بازدید کنندگان متفاوتی از جمله فرد مُسنی که پرورش دهنده گل و گیاه است و یا خانم خانه داری که یک ستون طنز در هفته نامه شهر در اختیار

کار، روش های مختلف تفکر و شیوه های متفاوت بیان آشنا شوند.

کارهای ویژه روز قبل از تعطیل هفتگی (یا هر یک از روزهای هفته)

مربی مبتکر این ایده و در اصل این کار را به عنوان راهی برای "یافتن" زمانی که بتواند به طور انفرادی

با کودکان در کلاس درس کار کند انتخاب می نماید. ضمناً در جریان کار، ساعتی را تعیین می کند

که در آن تمام دانش آموزان، بالا بردن خلاقیت را تجربه کنند.

فعالیت های ویژه روز قبل از تعطیل هفتگی، نمایانگر مجموعه ای وسیع و پی در پی شامل

عروسک سازی، کاغذسازی، زبان علائم، شیرینی سازی، خلق یک نمایش ویدیویی و اختراع بازی با

کلمات می تواند باشد. برای بسیاری از کودکان، این دوره را رویداد مهم هفته به شمار می آورند. این

فعالیت ها موجب گسترش و تقویت قلمرو مهارت های آنان شده، و انگیزه درونی آنان را برمی انگیزد